

پوران درخشنده در گفت‌وگو با «ایران» از زنان و دختران جامعه امروز می‌گوید

«نفر دوم» نیستیم، ما را ببینید و بشنوید

گزارش

نرگس عاشوری

خبرنگار

سیمیای زنان در سینیمای ایران در حال تغییر است. نشانه‌های این تغییر را می‌شود در سینیمای مستند و داستانی هم جست‌وجو کرد. اگر تا چند وقت پیش تصویر غالب در این دست آثار محدود به تصویری ترجم‌انگیز و بعضاً حقارت‌آمیز از زنانی می‌شد که در جدال با شرایط برآمده از فرهنگ مردسالارانه و شرایط اجتماعی کم‌آورده و نفس‌بریده‌اند، حالا کم‌کم می‌توان بخش دیگری از زنان را در آثار سینیمای ایران دید؛ زنان توانمندی که مغلوب شرایط اجتماعی نشده و چهره‌ای فعال در بافت جامعه به خود گرفته‌اند.

پوران درخشنده فیلمساز سینیمای اجتماعی، بر نقش تأثیرگذار زنان در تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تأکید دارد؛ زنانی که اسیر موانع و قربانی شرایط نیستند، فعالانه قدم پیش گذاشته‌اند و جایگاه امروزشان را وامدار تلاش خویش هستند. او معتقد است این موفقیت صرفاً مربوط به جایگاه اجتماعی امروز زنان نمی‌شود و او به تأثیرگذاری زنان خانه‌دار در کشف و باور خود و در نهایت تربیت نسل تازه تأکید دارد. درخشنده، زنان امروز را در تمام طبقه‌های اجتماعی، زنان مطالبه‌گری می‌بیند که لازم است صدایشان شنیده شود. مطالبه جدی او از مدیران فرهنگی، لزوم ایجاد بستر مناسب برای آموزش است. نقش کلیدی آگاهی و آموزش برای ساختن آینده بهتر، مؤلفه تکرارشونده در صحبت‌های این فیلمساز است.

این فیلمساز با اشاره ضمنی به مشکلات و موانع بر مسیر فعالیت زنان، در عین حال تأکید می‌کند: «زنان ما همیشه مقاوم بودند. هیچ وقت منفعل نبودند. با همه سختی‌ها جنگیدند و برای زندگی بهتر تلاش کردند. فضای جدیدی که تجربه می‌کنیم حاصل همین تلاش است؛ تلاش برای شکستن فضای که همواره خواسته در باور عمومی آنها را به عنوان فرد نمرود معرفی کند. زنان جامعه ما هیچ وقت زیر بار این انگار غلط نرفتند و اجازه ندادند تمام کم‌کاری‌ها آنها را از ساختن فضای خانه و جامعه بهتر مابوس کند. فراموش نکنیم زنان موفق ما لزوماً زنان دارای جایگاه اجتماعی و شاغل در موقیعت‌های شغلی حساس نیستند، بلکه زنان خانه‌داری هستند که حتی شده با چنگ و دندان، با تمام آنچه دارند، سرشسته، امور را محکم به دست گرفته و نه تنها امیدشان را حتی در بحرانی‌ترین و نامیدکننده‌ترین لحظات نمی‌بازند، بلکه به باقی خانواده‌ها هم این اجازه را

نمی‌دهند که بازنده باشند». درخشنده، تحول و پیشرفت زنان جامعه را محصول آگاهی آنها می‌داند و در ادامه می‌افزاید: «زنان خانه‌دار ما، خودشان را کشف کرده‌اند. برای یک زندگی بهتر آگاهانه حرکت می‌کنند و جای زندگی خوشحالی است که همه مطالبه‌گر هستند. مسلماً جایگاه زنان جامعه ما بعد از انقلاب تغییر کرده و متناسب با اقتضات روز، مطالبات آنها نیز متفاوت است. زنان امروز جامعه ما که کارمند هستند، مدیر موفق هستند، زن خانه‌دار و مادری به تمام معنا قهرمان هستند و تمام تلاش‌شان ساختن آینده‌ای بهتر برای نسل‌های بعدی است. آنها نیز به انگاره‌هایی دارند که بتوانند مطابق با نیازهای روز خود را جلو ببرند و اینجا همان جایی است که ما کم‌کاری کردیم. جامعه و بخش مهم آن یعنی زنان نیاز به آموزش دارند و متأسفانه بحث آموزش از نگاه مدیران و مسئولان مربوطه همیشه مغفول مانده است».

او با تأکید بر نقش سینما به عنوان رسانه مهم



پوران درخشنده در حال فیلمبرداری برای فیلم «زیرسقف دودی»

در بحث آموزش، ادامه می‌دهد: «سینماگران و زنان فیلمساز تلاش خودشان را می‌کنند، اما متأسفانه سال‌هاست سینیمای اجتماعی دچار ایستایی شده و سینیمای اجتماعی وجود ندارد که جامعه خودش را در آن ببیند. فیلمسازان اجتماعی می‌توانند گام‌های مؤثری در این مسیر بردارند اما متأسفانه شرایط کار برایشان مهیا نیست. فیلمساز از جامعه جدا نیست و در همین جامعه نفس می‌کشد، اما متأسفانه انگار چربی در تلاش است که صورت مسأله را پاک کند. همین مسأله باعث شده است من فیلمساز خودم را از جامعه عقب بذارم. من نسل جوان امروز را که می‌بینم احساس می‌کنم چقدر به عنوان یک فیلمساز اجتماعی از آنها عقب هستم. چون اجازه نیافتم او را بشناسم، نیازهایش را بشناسم و ریشه آن را جست‌وجو کنم. وقتی عقب هستیم، کار نمی‌کنیم، همگام با آنها حرکت نمی‌کنیم و نمی‌توانیم آنها را در شرایطی که هستند تریسیم کنیم، نمی‌توانیم هایشان را بازگو



کنیم و فرصت‌هایی را که می‌توانند بسازند، روایت کنیم.»

پوران درخشنده با تأکید بر جای خالی مباحث آموزشی بخصوص برای زنان خانه‌دار می‌گوید: «زنان تمام این آگاهی را در خدمت خانه و جامعه می‌گیرند و زنان هستند که با تربیت فرزندان، آینده را می‌سازند. احترام به زن ارزش گذاشتن به آینده است. احترام به شخصیتی است که قرار است نسل بعد را تربیت کند. اما وقتی دیده نمی‌شوند و حرفشان شنیده نمی‌شود، اعتماد به نفس را از آنها می‌گیریم و طبیعتاً نتیجه آن، یک خانواده متزلزل است. زنی که استقلال و اعتماد به نفس بیشتری دارد، نسل بهتری تربیت می‌کند.»

این فیلمساز مطالبه جدی خود از مسئولان و مدیران فرهنگی را دیده شدن و شنیده شدن نسل جوان بخصوص دختران عنوان می‌کند و در ادامه می‌افزاید: «آنها برای آینده حرف دارند. باید اجازه دهیم خودشان را پیدا کنند. لازم است آموزش ببینیم و آموزش بدهیم. اما الان مدت‌هاست که کاری برای این نسل انجام نداده‌ایم. نه فیلم ساختیم و نه کار فرهنگی شاخصی انجام دادیم. انکار دائم می‌خواهیم صورت مسأله را پاک کنیم. بگذاریم مسائل مطرح شود. همت کنیم و جلوی این پنهان‌کاری را بگیریم. همه ما آدم‌های پنهانکار و دوگانه شده‌ایم. نمی‌توانیم راحت حرف‌ها را بزنیم؛ چون فکری نمی‌که نباید بزنیم. با فرصت دادن برای شنیده شدن صدای افراد، به راستگویی و صداقت فرصت بروز و ظهور می‌دهیم. تأکید فرهنگ ما همیشه بر صداقت، راستی و درستی بوده است. شرایط را برای پرورش چنین فرصت‌هایی باید وجود بیاوریم. این اعتمادسازی را چطور باید به وجود آورد؟ این با کار و عمل ممکن می‌شود. این نمی‌شود که فقط حرف بزنیم! الان شرایط طوری است که همه حرف می‌زنند. با حرف زن که دردی دوا نمی‌شود. البته اینکه عمل‌مان چه باشد هم خیلی مهم است. باید به درد دردمان امروز بخورد. باید به کار آیندگان بیاید.»

پوران درخشنده در پایان صحبت‌های خود با تریبک روز زن، در عین حال می‌افزاید: «روز زن زمانی معنا پیدا می‌کند که به زنان احترام گذاشته شود. به جایگاه آنان احترام بگذاریم و برای آنان ارزش قائل شویم؛ انسان‌های ارزشمندی که خیلی صبورند و ما نیز به همان نسبت بی‌توجه هستیم. امیدوارم روزی برسد که زنان ما به جایگاه واقعی خود دست پیدا کنند، به آن چیزی که برای آن تلاش می‌کنند و خود را وقف آن کرده‌اند دست پیدا کنند. امیدوارم این احترام به جای نگرانی که این روزها بر چهره مردم دیده می‌شود، بخندش نشانند و برای آنان آرامش به ارمغان بیاورد. برای این منظور باید به اندیشه زن احترام بگذاریم. مقصود من اندیشه زنانه و مردانه نیست، بجای اینکه ظاهر زنان انقدر برای مسئولان غنغدغه باشد باید تمرکز بر باروری اندیشه زنان باشد. به اندیشه و تفکر زنان احترام بگذارید.»

«ایران» نقش زنان در فعالیت‌های داوطلبانه را بررسی می‌کند

همونی باش که هستی

گزارش

سمیه افشین‌فر

خبرنگار

امروز در جامعه شاهد حضور زنان در عرصه‌های مختلف هستیم، بنابراین تجربه مستقیم آنها از نیازهای مختلف و گروه‌های نیازمند نیز عمیق‌تر می‌شود. زنان در جامعه سنتی در شبکه‌ای از روابط اجتماع سنتی، افراد و گروه‌های نیازمند محله را شناسایی و به آنها کمک می‌کردند، در جامعه جدید نیز زنان فعال در عرصه اجتماعی بر فضای جامعه اثر می‌گذارند، چرا که آنها با شناختی برآمده از تجربه زیستی روزمره در شهر، به مشارکت در فعالیت‌های نیکوکارانه و داوطلبانه برای پاسخ به بخشی از نیازهای جامعه اقدام می‌کنند. این نیازها نه تنها زنان و کودکان، بلکه تمامی گروه‌های اجتماعی و تنوعی از اولویت‌های مختلف اجتماعی را شامل می‌شود. با چند چهره فعال حوزه داوطلبانه آشنا می‌شوید.

روایت تلاش در چاپهار

سیمیا ربیسی دختر نایب‌نایی است که سد معلولیت را در نقطه‌ای محروم از قلب سیستان شکسته است. داستان تلاش او در استان روایتی از فعالیت‌های داوطلبانه بانوان در مواجهه توأمان با تعصب، تحقیر و تبعیض است. او در گفت‌وگو با خبرنگار می‌گوید که مدرسه او را نمی‌پذیرفتند و معلم مدرسه به پدرش گفته بود «عقب‌مانده ذهنی است»، اما پدر از پانچست و سیمیا امروز دارای دکترای علوم سیاسی است. او ادامه می‌دهد: «من دختر نایب‌نایی مادرازاد با چالش‌های بسیار بودم و در جامعه‌ای محروم و متعصب زندگی می‌کردم، بنابراین هر لحظه از زندگی چه در بین بستگان و اقوام چه در فضای عمومی جامعه مشکلاتی داشتم اما باید از پس آنها برمی‌آمدم و به این نتیجه رسیدم که باید زنانگی ام را به اثبات برسانم، تلاشم را صدچندان کردم و توانستم کم‌کم مسیر رشد را پیدا کنم.» سیمیا می‌گوید: «موارد و مشکلات متعددی به‌عنوان یک دختر بلوغ برای من وجود داشت که تأثیرات منفی هم بر من می‌گذاشت، این تفکر که چطور می‌توانم از زینس کارها برپایم، چطور می‌توانم درس بخوانم... همه مواردی بود که باید برای آن‌ها به دانه آن و اثبات توانمندی‌هایم تلاش می‌کردم.» این فعال حوزه زنان از ۶ سال قبل برای کمک به زنان محصل زندگی‌اش مؤسسه‌ای ایجاد کرد و در قالب این خدمات مختلف سوادآموزی، اشتغال‌زایی و کسب استقلال فردی و اجتماعی را به زنان سرپرست خانوار و افراد دارای معلولیت ارائه می‌دهد. «مؤسسه‌های روشنایی چاپهار، برای من آوی روشنایی زندگی ام بود، این مؤسسه سکوی پرتاب من به سوی دنیای ایده‌آلی بود که برای خودم تصور کرده بودم، اینکه بتوانم برای زنان همنوعم در نقطه صفر چاپهار قدمی بردارم. سیمیا ۳۷ ساله هست و راه درازی در پیش دارد. امروز مؤسسه او در چاپهار به حدود هزار نفر از زنان سرپرست خانوار و افراد دارای معلولیت خدمات ارائه می‌دهد. او معتقد



است چندجانبه رشد کرده و اعتماد به نفسش به حدی رسیده که دیگر کسی معلولیتش را نمی‌بیند و راحت‌تر می‌تواند در اجتماع به فعالیت بپردازد.

معلم جزیره



فهمیدم یه جایی گفته «من بدبختم، سواد ندارم.» نمی‌دانم این را کجا شنیده، نمی‌دانم چند روز به آن فکر می‌کرده. نمی‌دانم چی پیر او گذشته تا روزی است که رسماً و واقعاً کلمه خواندم. می‌دانم که یک روزی فیلم کتاب‌خواندنش را هم می‌گذارم. هرچقدر هم طول بکشد، هرچقدر هم سخت باشد، ما راه افتادیم می‌رسیم به آن روزی که بگویم «من خوشبختم، چون سواد دارم. اینها نوشته‌های محمدشهر در خدمت کودکان سال دارد و دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی با گرایش کودکان استثنایی است. از ۱۳ سالگی فعالیت داوطلبانه در حوزه افراد دارای معلولیت بویژه حوزه اختلال اوتیسم را شروع کرده است و امروز در جزیره‌ای کیلومتری دورتر از پایتخت به آموزش کودکان با نیازهای ویژه مشغول است. او به «ایران» می‌گوید: «چند سال معلم داوطلب در آسایشگاه گهریزک محمدشهر در خدمت کودکان دارای معلولیت زیر ۱۴ سال بودم، در خیره‌های مختلفی در حوزه کودک کار کردم و در نهایت از هجده‌سالگی به‌عنوان نیروی آزاد و معلم به کار با بچه‌های اوتیسم مشغول شدم.» مینا سال گذشته به دنبال برگزاری یک کارگاه رایگان بازی‌های مهارت‌محور برای بچه‌های دارای معلولیت جزیره هرمز برای انتقال تجربیاتش به این جزیره نقل‌مکان کرده و با عنوان نیروی داوطلب در مدرسه استثنایی این جزیره مشغول به کار است. «من به‌عنوان یک زن چالش‌های زیادی داشته‌ام و دارم که به حمله «وای چطور می‌تونی با این بچه‌ها کار کنی یا اینکه شغلت مردونه است!» شروع می‌شود و گاهی به نامتی در محیط کار می‌رسد.» این فعال اجتماعی با انتقاد از فضای برخی از خیره‌ها می‌گوید: «متأسفانه برای برخی افراد خیره‌ها بیشتر به کلوب شبیه است و گاهی این مشکلات باعث می‌شود افراد جوان‌تر بویژه دخترها نتوانند فعالیت‌های داوطلبانه را به‌صورت طوالتی مسئولین و مدیران مرتبط به شغلم قرار می‌گیرد، از خانواده‌های سنتی می‌گویند: به‌عنوان یک زن کم‌سن و سال، دیرتر توانایی‌هایم مورد اعتماد و باور مدیران و متخصصین را در محیطی که مهاجرت یک دختر تهرانی و از طرف دیگر محدودیت‌های خانوادگی درباره محل کار و ساعت کاری هم بسیار زیاد است، هرچند تلاش کردم تا حد ممکن با این باورهای رایج محدودکننده مبارزه کنم. در حقیقت با مهاجرت تنهایی به منطقه‌ای محروم به‌عنوان معلم جزیره، تا حدی توانسته‌ام تابوهای زیادی را بشکنم و بعد از چند ماه موفق شدم توانایی علمی و تجربی‌اتم را در محیطی که مهاجرت یک دختر تهرانی و تنها به آن خیلی عجیب است، به اثبات برسانم. شغلم را دوست دارم. به‌خاطر اینکه در آن می‌توانم شبیه همه باشم، چون معلم کسانی هستم که قرار نیست نیاید شبیه همه باشند. یاد گرفته‌ام هربار کسی به شاگردانم گفت متفاوت نباش، بخوانم «بازه چشت یا بستی، ایستادی یا نشستی، همونی باش که هستی.»

تاریخ نگاری جنگ و زنانی که از خانه تا خط مقدم حضور داشتند

یک تراژدی عاشقانه

نگاه

مرجان قندی

خبرنگار

یکی عمر دلنگی و مسئولیت‌شد و اگر صبوری، عزم و ایثارگری‌شان نبود شاید چنین مقاومت پیروزنده‌انه‌ای در آن دوران شکل نمی‌گرفت. البته هرچند محدود اما در حوزه ادبیات دفاع مقدس آثار درخور توجهی درباره تاریخ نگاری جنگ و زنان منتشر شده است. کتاب‌های «دختر بنگاه» «دریا خانم»، «نامه‌های فهیمه»، «یک دریا ستاره»، «روزهای بی‌آینده»، «پاپیز آمد» و... آثاری هستند که همه با روایت‌هایی از خاطرات همسران شهدا هستند. کتاب «پاپیز آمد» آخرین تألیف گلستان جعفریان که روایت فخرالسادات موسوی، همسر شهید احمد یوسفی از آنچه برایشان از ازدواج تا شهادت شهید یوسفی رخ



داده است؛ امسال در هفته دفاع مقدس و در شانزدهمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت با انتشار تقریظ مقام معظم رهبری بر این کتاب مورد استقبال عموم قرار گرفت. خیلی‌ها می‌گویند «پاپیز آمد» یک تراژدی عاشقانه است که جعفریان، حد و مرزها را در این کتاب شکسته است.

مهم‌ترین ویژگی آثار این نویسنده حوزه دفاع مقدس، نگاه متفاوت او به جنگ است. جعفریان در کتاب‌هایش به دنبال یافتن پاسخ سؤال‌هایی است که در ذهن دارد. او درباره انگیزه‌اش برای نوشتن «دریا خانم» می‌گوید: «سؤالی که برایم به‌وجود آمد و باعث شد این موضوع را پیگیری کنم و ممکن است سؤال خیلی از افرادی باشد که در حوزه ادبیات پایداری مطالعه می‌کنند و حتی سؤال جامعه باشد، این بود که وقتی شهید یوسفی روبه‌روی خانم موسوی می‌نشند و می‌گویند شک نکن که من شهید می‌شوم و در خوشبختانه‌ترین

حالت جانپاز خواهد شد، چون هدف من است، چطور دختری که می‌داند این همسر را از دست می‌دهد و این مرد نمی‌تواند کنارش بماند، تصمیم می‌گیرد با او ازدواج کند؟ برای پاسخ به این سؤال به زنجار رقت و مصاحبه‌ها را شروع کردم تا بفهمم در دل این آدم‌های یادمانی شیبه فخرالسادات چه می‌گذشته؛ دخترانی که می‌دانستند این همسر را از دست می‌دهند، اما باز هم در این زندگی‌های پرفراز و نشیب می‌گذشتند. من با خودم فکر می‌کنم چرا این زن‌های جوان بعد از شهادت همسرانشان می‌توانند؟ چه چیزی باعث می‌شود آنها این تصمیم را بگیرند؟ همسران شهدایی بودند که دوباره ازدواج کردند حالا مثل هم‌ازدواج دیگری موفق یا ناموفق بوده اما بالاخره آنها ریتیم طبیعی زندگی را تجربه کردند. اما برخی دیگر ریتیم کاملاً غیرطبیعی زندگی را تجربه و با این‌ها غلام‌خوردگی چه چیز این زن‌های سختی‌ها و مصیبت را بعد از شهادت همسرانشان به جان می‌خرند، سراغ فخرالسادات موسوی و نوشتن کتاب «پاپیز آمد» رقتم. جعفریان که بیش از ۲۰ سال در عرصه ادبیات پایداری قلم زده است و از

اولین اثرش (از چندده لا تا جنگ) تا آخرین اثر او یعنی «پاپیز آمد» ردی از پرداختن به موضوع نقش زنان در جنگ تحمیلی دیده می‌شود، می‌افزاید: «به‌نظر من ۴۰ درصد آنچه درباره نقش زنان در جنگ بوده به رشته تحریر درآمده است که در میان آنها آثار خوب هم کم نیست. آنچه در این باره در بازار کتاب موجود است راجع به زنانی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با جنگ درگیر بودند. این اتفاق به‌خاطر این است که ما نگاه‌مان به شخصیت زن‌هایی که درگیر جنگ شدند مبتنی بر اعتقاد و ایدئولوژی است. یعنی ما سراغ زن‌هایی می‌رویم که همیشه الگو هستند؛ با خودشان در بحث انتخاب همسرشان کاملاً اعتقادی رفتار کردند؛ با پاسدار یا بسیجی ازدواج کردند و با یک بیبندی به سراغ آنها رفتند یا اگر خودشان به جنگ رفتند حتماً دارای بیش از هجده ایدئولوژی بودند. اما ما کمتر به سراغ زن‌هایی رفتیم که به‌طور ناخواسته درگیر جنگ شدند؛ یعنی با مرزنشین بودند یا اینکه ازدواج کردند همسرشان به جبهه رفته و همسر جانپاز، اسیر و آزاده یا شهید شده و آنها مجبور شدند با شرایط جدیدشان مبارزه کنند.»



فهمیده دخانجی، کارآفرین برتر استانی روایت می‌کند

چالش‌های جذاب پیوستن به زنجیره صادرات



فارغ از نگرش‌های جنسیتی و انگذار شود. نکته مهم این است که زنان باید از اعتماد به یکدیگر حمایت کرده و با اتصال زنجیروار به یکدیگر و هم‌افزایی، مشکلات را پست سر گذاشته و سهم قابل توجهی را در آبادانی کشور ایفا کنند.

«هونا هادی‌پور» بانوی کارآفرین و نمونه‌رشته خراطی چوب از استان مازندران است که واحد تولیدی وی در سال ۱۴۰۲ موفق به دریافت مهر اصالت ملی میراث فرهنگی شده است. او به «ایران» می‌گوید: فعالیت‌م را در حوزه صنعت چوب به همراه همسرم آغاز کرده و با تولید ظروف اکسسوری چوبی، بخشی از نیازهای کافه‌ها و رستوران‌ها را تأمین کردم. این بانوی کارآفرین ۱۷ سال سابقه داشته و علاوه بر تولید اکسسوری‌های خاص چوبی، اغلب سفارشات پا خراطی چوب را تولید کرده و به بازار عرضه می‌کند. هونا هادی‌پور در تلاش است تا حوزه کاری خود را گسترش دهد. او فارغ از نگرش‌های جنسیتی به حضور پرقدردن زنان در عرصه‌های اجتماعی و کارآفرینی اشاره کرده و می‌گوید: تاکنون در حوزه کاری خود به دلیل اینکه خانم بوده و با آقایان کار می‌کنم



ارائه محصولات باکیفیت و سرآمد در عرصه داخلی و خارجی معطوف‌کنند. البته در این میان تجربه ثابت کرده که کار زنان در عرصه‌های مختلف به دلیل دقت بالا و ظرافت زیاد بیشتر دیده شده و از اهمیت بسیاری برخوردار است.